

نورالدین کیانوری

کارنامهٔ چهل سال تلاش

به مناسبت چهلمین سالگرد تأسیس حزب تودهٔ ایران

پریش و پاسخ ۶ مهرماه ۱۳۶۰



Vatshofstr. 1
1000 Berlin 61

فهرست

- ۳ نگاهی به تاریخ مبارزات چهل ساله حزب توده ایران
- ۱۴ درباره آینده انقلاب، نگرانی‌ها و امیدها

۱۳۶۵



انتشارات حزب توده ایران، ۱۶ آذر، شماره ۶۸.

کیانوری، نورالدین
 کارنامه چهل سال تلاش
 چاپ اول، مهرماه ۱۳۶۵
 حق چاپ و نشر برای شرکت سهامی خاص انتشارات توده محفوظ است

انتشارات سازمان حزب توده ایران در آلمان فدرال

0,50 DM

نگاهی به تاریخ مبارزات چهل ساله حزب توده ایران

صحبت امروز ما به طور عمده به واقعه تاریخی چهلمین سالگرد تاسیس حزب توده ایران اختصاص دارد. دهم مهر ماه امسال، چهل سال از تاسیس حزب توده ایران می‌گذرد. آن چه که به طور خلاصه می‌توان در این زمینه گفت این است که ما چهل سال پرنج، پرفراز و نشیب و پر از پیروزی‌های واقعی را پشت سر گذاشته‌ایم.

البته بیشتر اعضاء امروز حزب توده ایران، از کسانی هستند که از این دوران پرنج فقط به وسیله تاریخ و نوشته‌ها اطلاع دارند، و خودشان در جریان این مبارزه طولانی نبوده‌اند و این هم یک امر طبیعی است: نسل جوان همیشه از طریق تاریخ با مبارزات نسل‌های گذشته، با مبارزه در راه آزادی از قید انواع بردگی‌ها، آزادی از بند ستم هموعان خویش، از بند تسلط طبقات حاکمه جابر و غارتگر، آشنا می‌شود.

کارنامه این چهل سال زندگی حزب توده ایران را می‌توان در تلاش پیگیر و خستگی‌ناپذیر آن، در فداکاری و تحمل رنج و محرومیت برای تامین حقوق توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکش، در مبارزه برای تحکیم همبستگی زحمتکشان میهن ما با زحمتکشان سایر کشورهای جهان که در پیکار علیه امپریالیسم، سرمایه انحصاری غارتگر و ارتجاع جهانی به پیروزی رسیده‌اند یادشرایطی دشوارهنوز درگیر این مبارزه هستند، خلاصه کرد. این است کارنامه ما.

نتیجه این چهل سال مبارزه‌ای که ما انجام داده‌ایم این است که حزب توده ایران علی‌رغم تمام فشارها، دشمنی‌ها، تحریکات، محدودیت‌ها، اعدام‌ها، زندان‌ها و شکنجه‌های ادوار گذشته، امروز به‌عنوان یک عامل سیاسی قابل توجه در زندگی اجتماعی ما مطرح است و با سربلندی و احساس رضایت

نسبت به کاری که در این چهل سال انجام داده است می تواند به فعالیت خود ادامه دهد - در عین حال که امروز هم دشواری های فراوانی راپیشرو دارد .

چهل سال پیش که حزب توده ایران پدید آمد ، با بهره گیری از میراث انقلابی نسل های گذشته ایران ، مبارزان صدر مشروطیت و جنبش انقلابی ایران در سال های بعد از انقلاب اکتبر ، یک برنامه برای مبارزات جاری تنظیم کرد و یک برنامه برای رسیدن به آماج های درازمدت توده های محروم ایران . برنامه ما برای آماج های درازمدت یعنی آماج های واقعی و اصلی جامعه ایران عبارت بود از مبارزه در راه استقلال همه جانبه کشور ، در راه تامین آزادی برای توده های محروم و تامین عدالت اجتماعی به معنای واقعی آن یعنی برانداختن هرگونه استعمار و استثمار فرد از فرد و از بین بردن زمینه هرگونه غارتگری برای رسیدن به این آماج ها یعنی استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی حتما یک انقلاب اجتماعی ضروری بود ، چون وضع کشور ما طوری بود که اگر چه در شهریور ۱۳۲۰ با برکناری رضاخان و از میان رفتن اختناق ، تحول سیاسی مختصری در جامعه ایران صورت گرفته بود ، ولی از لحاظ اجتماعی ، از لحاظ موقعیت اقتصادی و سیاسی طبقات حاکمه ، از لحاظ مجموع نظام اقتصادی کشور در آن دوران ، ایران کشوری بود عقب افتاده ، نیمه فئودالی و نیمه - سرمایه داری ، وابسته به امپریالیسم ، و زیر تسلط کامل امپریالیسم انگلیس و سپس امپریالیسم آمریکا .

در چنین کشوری و در چنین جامعه ای امکان این که ما به استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی دست یابیم ، بدون یک انقلاب اجتماعی وسیع ، وجود نداشت . این انقلاب هم سه عنصر دارد که عبارت است از دگرگونی سیاسی برای به دست گرفتن قدرت به وسیله توده های مردم ، دگرگونی در نظام اقتصادی جامعه و دگرگونی فرهنگی برای تعویض فرهنگ ملی و مردمی و انسانی با فرهنگ استعمارزده غربی .

حزب توده ایران تحقق این هدف ها را با بهره گیری از تمام میراث جنبش انقلابی ، مردمی و توده ای در میهن ما و در سراسر جهان به عنوان برنامه خود انتخاب کرده بود . البته این ها ، آماج هایی نبودند که در شرایط آن روزی رشد آگاهی و آمادگی توده های مردم برای مبارزه اجتماعی ، بلافاصله بتوان به آن ها تحقق بخشید . این ها آماج های درازمدت جنبش انقلابی کشور ما بودند . ولی حزب توده ای ما هم زمان با تلاش برای دستیابی به این آماج های درازمدت ، می کوشید در زمینه آماج های کوتاه مدت هم مبارزه فعالی انجام دهد .

می دانیم که تسلط امپریالیسم و ارتجاع تنها اقتصادی ، سیاسی و نظامی نبود ، بلکه تسلط فرهنگی هم بود . توده های مردم بسیار ناآگاه بودند و هنوز آگاهی کافی به حقوق خودشان نداشتند ، هنوز دشمنان خودشان را چنان که باید و شاید نمی شناختند ، هنوز نمی دانستند که طبقات حاکمه سرمایه دار ،

ملاکان بزرگ، وابستگان به امپریالیسم و امپریالیست‌های خونخوار و غدار چه اندازه دشمنان آشتی‌ناپذیر انقلاب ما و پیشرفت اجتماعی و خوشبختی مردم ما هستند. توده‌های مردم هنوز در این زمینه‌ها آگاهی کافی نداشتند. یعنی امپریالیسم و ارتجاع با استفاده از کمی آگاهی توده‌ها و از برخی تنگ نظری‌ها و دام‌گستری‌های تبلیغاتی محیلانه، در بسیاری از موارد آن‌ها را درست در مقابل همان نیروهایی قرار می‌داد که خدمت به توده‌های خلق را هدف فعالیت خود قرار داده بودند. مانع دیگری که در مقابل ما وجود داشت، گروه‌های تسلیم‌طلب، سازشکار و منفعت‌پرست سرمایه‌داری ملی بودند، که امروز آن را گروه‌های متعلق به سرمایه‌داری لیبرال می‌نامیم - با برخی ویژگی‌ها و تفاوت‌ها و از جمله تظاهر به دفاع از منافع ملی و مبارزه با امپریالیسم که البته بخش معینی از آن‌ها تضادها و تناقض‌هایی هم با امپریالیسم و تسلط اقتصادی امپریالیسم داشتند، ولی به علت تمایلات شدید ضدکارگری و ضدانقلابی و موضع‌گیری‌های آشکار ضد جنبش‌های مردمی در داخل و در گستره جهانی، عملاً در مقابل جنبش واقعی، ملی و دمکراتیک ضد امپریالیستی قرار می‌گرفتند و اگر هم در مواردی با این جنبش همراهی می‌کردند، همراهی‌شان نیم‌بند و ناپی‌گیر و فقط به این قصد که در راس جریان قرار گیرند و جنبش مردمی و انقلاب را، در مرحله اوج‌گیری و تشدید تضادهای طبقاتی، به‌مجرای منطبق با منافع خود سوق دهند و به سود خود از آن بهره‌گیری کنند.

این‌ها از دشواری‌های عمده حزب ما بودند. دشواری‌های دیگری هم وجود داشت که از نفوذ فاشیسم ناشی می‌شد. فاشیسم جناح معینی از امپریالیسم جهانی است با ویژگی‌های بسیار حیوانی و ددمنشانه. نفوذ عوامل فاشیسم در ایران که از دوران پیش از جنگ جهانی دوم آغاز شده بود، به مبارزه جنبش ضد استعماری و ضد ارتجاعی ویژگی‌های معینی می‌داد. در این زمینه ما در نشریات حزبی مربوط به تاریخ حزب به اندازه کافی بحث کرده‌ایم و این‌جا دیگر به آن نمی‌پردازیم و می‌رویم به سراغ همان مسائلی که در یک گفتار کوتاه می‌توان به آن‌ها پرداخت.

شیوه‌ای که ما از همان روز اول برای مبارزه انتخاب کردیم، بالا بردن سطح آگاهی و قدرت تفکر و قضاوت توده‌ها از راه روشنگری بود. این کار را ما با انتشارات پایه‌ای و با تحلیل‌های سیاسی و اجتماعی درباره مسائل گوناگون جامعه ایران و رویدادهای جهان انجام می‌دادیم و می‌کوشیدیم در هر یک از عرصه‌های مبارزه شکل و شیوه درست و مناسبی را برای آن مبارزه کار ببریم. ما از همان روزهای اول به علت برداشت علمی درست از مبارزه هرگونه شیوه‌های ماجراجویانه را برای مبارزه نادرست و مردود می‌دانستیم و همین سیاست را در تمام طول این دوران دنبال کردیم. ما از همان آغاز بر این اعتقاد راسخ بودیم که انقلاب کار توده‌هاست، کار توده‌هایی است که باید به حقانیت مبارزه خود کاملاً آگاه باشند و ضمناً بدانند که این مبارزه، این

جنبش توده‌های انقلابی می‌تواند اشکال گوناگون اقتصادی، سیاسی داشته باشد و حتی شکل جنگ انقلابی به خودش بگیرد. می‌دانیم که انقلاب کار یک گروه متشکل و پیشرو نیست. گروه پیشرو فقط می‌تواند توده‌های انقلابی را در مبارزه راهنما باشد، به رشد آگاهی و بالا رفتن درک انقلابی آن‌ها کمک کند و راه درست را به آن‌ها نشان دهد. ولی این خود توده‌ها هستند که باید انقلاب را آغاز کنند و به فرجام پیروزمندانه آن برسانند.

ما از همان روز اول برای شرکت توده‌ها در مبارزه اهمیت فوق‌العاده قایل بودیم. ما در همهٔ مبارزات آن‌ها چه سیاسی و چه اقتصادی، در مبارزه آن‌ها برای کوچک‌ترین مسائل و مشکلات روزمره و حتی گرفتن صابون و حوله در کارخانه‌ها برای تمیز کردن دست‌ها و شستشوی بعد از کار، شرکت می‌کردیم. ما همه این‌ها را مبارزه می‌دانستیم و معتقد بودیم که تنها در جریان این مبارزات است که می‌توان طبقه کارگر را گام به گام با آماج‌های اساسی مبارزه آشنا کرد، ریشه‌های واقعی درد و رنجی را که هر روز تحمل می‌کند، به او نشان داد و این آگاهی را به وجود آورد که بدون خشکاندن این ریشه‌ها به نیروی جنبش عظیم انقلابی توده‌های این درد و رنج از بین نخواهد رفت. این بود برخوردی که ما از همان روز اول به مبارزه توده‌ای داشتیم. البته اعتقاد ما بر این بود که شیوهٔ مبارزه همراه با تحولات اجتماعی و شرایط اجتماعی می‌تواند تغییر کند. بعد از آن که توده‌ها آگاه شدند و برای مبارزه آمادگی پیدا کردند، آن وقت خودشان ممکن است اشکال مناسب را برای مبارزه انتخاب کنند. برای انتخاب این اشکال تجربه خود توده‌ها لازم است، نمی‌توان یک شکل مبارزه را به توده‌ها تحمیل کرد، توده‌ها خود باید درک کنند که شرکتشان در مبارزه به چه شکل باشد. تجربه انقلاب پیروزمند و شکوهمند ما صحت این حکم مهم مارکسیسم، این حکم مهم جنبش انقلابی جهانی را کاملاً تایید کرد.

برخورد دیگری به مبارزه عبارت بود از صبر انقلابی. ما خوب می‌دانستیم که مبارزه را نمی‌شود تحمیل کرد، توده‌ها باید آگاهانه، داوطلبانه و با تجربه شخصی خودشان به میدان مبارزه بیایند و در مبارزه شرکت کنند. تحمیل مبارزه امکان‌پذیر نیست. شکست تلاش‌های مذبوحانه‌ای که الان بعضی از گروه‌ها برای به اصطلاح "جلب توده‌ها" و "کشاندن" آن‌ها به مبارزه، به کار می‌برند، موید کامل این حکم است.

مسئله مهم دیگری که از همان آغاز در مبارزه برای مامرح بود تلاش برای ایجاد جبههٔ متحدی از همهٔ نیروهایی بود که در هر لحظه معین از تاریخ برای رسیدن به یک یا چند آماج از آماج‌هایی که ما در برابر خود داشتیم، برای تحقق یک یا چند هدف از هدف‌هایی که توده‌های مردم در برابر خود قرار داده بودند، آمادگی برای مبارزه از خود نشان می‌دادند. ما همیشه در مبارزات اجتماعی، چه در مقیاس‌های بزرگ و چه در مقیاس‌های کوچک برای ایجاد جبهه متحد همراهان کوشیده‌ایم.

عنصر دیگر کار ما، مبارزه با گرایش‌های نادرست در درون حزب بود. این نکته مسلم است که هم به‌علل ناشی از وضع طبقاتی افراد و هم در نتیجه دسایس دشمن، همیشه در جریان مبارزه گرایش‌های نادرست پدید می‌آید و از راه‌های مختلف تقویت می‌شود. گرایش راست‌روی ناشی از ناپایداری انقلابی بعضی از نیروها، گرایش چپ‌روی ناشی از بی‌صبری و ارزیابی نادرست میزان نیروها و تاثیر آن‌ها در جامعه در لحظه معین و نیز گرایش‌های راست‌روانه و چپ‌روانه ساخته دشمنان انقلاب. همه این‌ها در جامعه ما وجود داشت و ما برای هدایت توده‌های محروم و زحمتکشان به‌راه صحیح مبارزه و خنثی کردن تاثیر گرایش‌های نادرست، چه گرایش‌های صادقانه‌وناشی از عدم آگاهی یا کمی آگاهی و چه گرایش‌های ساخته امپریالیسم که دامی بود برای گمراه کردن توده‌ها و منحرف کردن آن‌ها، به مبارزه‌ای بسیار جدی دست زدیم. این‌ها به‌طور کلی مبارزه ما در جهت آماج‌های درازمدت انقلاب بود.

ولی ما به موازات این مبارزه که جنبه دائمی داشت، از همان آغاز پیدایش حزب توده ایران به مسائل روز جنبش انقلابی و خواست‌های حیاتی مردم توده‌های محروم جامعه، زحمتکشان شهرو روستا، توجه همه‌جانبه داشتیم. یعنی ما ننشستیم فقط برای تاریخ دراز مدت و آینده خیلی دور تئوری ببافیم، بلکه با شرکت در مبارزات جاری اجتماعی، در تمام مسائل روز شرکت فعال داشتیم. در زمینه مبارزه برای استقلال، ما توطئه‌های هم‌روزه امپریالیسم را، به‌هر شکل و زیر هر نقاب افشاء می‌کردیم و با آن‌که این افشاگری در غالب موارد برای ما بسیار گران تمام می‌شد، اما لحظه‌ای از این مبارزه اساسی باز نایستادیم و کوشیدیم تا هر اقدامی را که امپریالیسم برای محکم کردن زنجیر تسلط خود انجام می‌دهد، خنثی کنیم، عقیم بگذاریم، با عدم موفقیت روبرو کنیم.

چنین بود مبارزه جاری ما در راه استقلال، هنگامی که در کشور ما یک رژیم کاملاً وابسته به امپریالیسم بر سر کار بود. تلاش حداقل ما در آن دوران این بود که با جمع کردن نیروها، با متحد کردن نیروهای گوناگون نگذاریم این زنجیر وابستگی به امپریالیسم، زنجیر تسلط انحصارهای سرمایه‌داری جهانی از لحاظ سیاسی، اقتصادی، نظامی و غیره از آن‌چه که هست، محکم‌تر شود. از آن جمله بود مبارزاتی که ما در مقابل نقشه امپریالیست‌ها برای تجدید امتیاز نفت جنوب انجام دادیم. آن‌ها می‌خواستند با حقه‌بازی قرارداد جدیدی را جانشین قرارداد خائنانه دیگری کنند که در زمان رضا خان با امپریالیسم انگلیس بسته شده بود. ما به مبارزه وسیعی دست زدیم برای این‌که نگذاریم که امپریالیسم قرارداد جدیدی چون قرارداد گس - گلشایان یا سازش با ساعد مراغه‌ای را عملی کند. مبارزه حزب توده ایران با تلاش امپریالیسم آمریکا نیز که می‌خواست امتیاز نفت و گاز شمال ایران را به دست آورد و انگلیسی‌ها هم با آن موافق بودند، از مبارزات درخشان آن دوران بود که به کمک سایر نیروهای ضد امپریالیستی در داخل ایران انجام

گرفت.

در زمینه مبارزه برای آزادی، گرچه در یک رژیم وابسته به امپریالیسم، در رژیمی که در خارج به امپریالیسم جهانخوار و در داخل به طبقات حاکمه ستمگر و غارتگر یعنی بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران متکی است، آزادی واقعی برای توده‌ها هرگز میسر نخواهد بود، با وجود این، ما با تجهیز نیروهای مردمی و دیگر نیروهایی که خواستار آزادی‌هایی، حتی در چارچوب بورژوازی آن بودند، می‌کوشیدیم تا لااقل از پیدایش اختناق سیاه‌جلوگیری کنیم و حتی یک گام هم شده آن را به عقب برانیم و به تاخیر اندازیم. چون مسلم بود که در شرایط بعد از جنگ دوم جهانی، امپریالیسم آمریکا و انگلیس با توجه به موقعیت سوق الجیشی فوق‌العاده با اهمیت ایران، تمام نیروی خود را به کار خواهند برد تا در نخستین فرصت بار دیگر اختناق سیاه را در ایران احیا کنند، خاک کشور را به پایگاه نظامی، به پایگاهی برای غارت ثروت نفت ما که یکی از بزرگ‌ترین منابع نفتی جهان است، به پایگاه تجاوز علیه کشور سوسیالیستی شوروی که امپریالیست‌ها همیشه آن را دشمن اصلی خود می‌دانند و سرانجام به ژاندارم منطقه برای سرکوبی تمام جنبش‌های رهایی‌بخش در این منطقه بدل کنند.

البته ما طی یک دوران طولانی در این مبارزه تنها بودیم و به ندرت نیروهای سیاسی دیگر با ما همکاری می‌کردند و در یک جبهه قرار می‌گرفتند. ما به تنهایی در این نبرد تلفات بسیار زیاد دادیم که یکی از نمونه‌های جنبش دمکراتیک و ملی برای آذربایجان و کردستان بود. این دو جنبش که به وسیله ارتجاع و امپریالیسم سرکوب شد، تلفات فوق‌العاده سنگینی برای نیروهای آزادیخواه و ضد امپریالیست و میهن‌دوست ایران و از آن جمله برای حزب ما به بار آورد.

در زمینه عدالت اجتماعی هم مبارزات حزب توده ایران چشمگیر بود: مبارزه برای بهبود شرایط کار و زندگی کارگران و زحمتکشان، مبارزه برای تدوین و تصویب قانون کار، برای گذراندن اصل هشت ساعت کار در روز، برای اضافه دستمزد، برای بهداشت بهتر کارگران، برای آموزش و بهداشت اجتماعی برای همه، زحمتکشان شهر و روستا، برای اصلاحات ارضی در ده، برای کاهش فشار مالیات بردوش توده‌های زحمتکش، برای بهبود شرایط کار زحمتکشان فکری و از جمله آموزگاران و کارمندان دولت و سایر رشته‌های خدمات، برای تأمین حقوق ملی خلق‌های محروم غیر فارس، یعنی کردها، آذربایجانی‌ها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها، عرب‌ها و دیگران.

این‌ها نمونه‌هایی از مبارزاتی است که حزب توده ایران در زمینه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انجام داده است. کوشش ما این بود که سطح آگاهی توده‌ها را در همه زمینه‌ها بالا بریم، آن‌ها را به حقوق پایمال شده‌شان آشنا کنیم و نشان دهیم که توده‌ها تنها با مبارزه خودشان می‌توانند به حقوق پایمال شده و از دست‌رفته خود برسند.

و اما دشمن در مقابل این مبارزه، صادقانه، عادلانه، انسانی، با ما چگونه رفتار کرد، مطلبی است که تاریخ این چهل سال نشان می دهد. دشمن یعنی امپریالیسم، ارتجاع منطقه و ارتجاع داخل کشور، از همان روز اول که حزب توده ایران تاسیس شد به حق آن را خطرناک ترین دشمن خود تشخیص دادند و به همین علت، تمام کوشش خود را برای درهم کوبیدن و یا دست کم فشار آوردن، محدود کردن و جدا ساختن آن از توده های مردم به کار بردند. هیئت حاکمه خود فروخته آن زمان ایران، دستگاه دولتی، طبقات حاکمه و امپریالیسم جهانی حامی آن ها، تمام دستگاه تبلیغاتی خود را علیه حزب نوبیناد ما به کار انداختند، درست همان گونه که امروز ضد انقلاب در داخل و امپریالیست های جهانخوار در خارج علیه انقلاب ایران عمل می کنند. به طور کلی دشمنان ما در دو جهت اساسی علیه ما عمل می کردند:

یکی در جهت تبلیغاتی از طریق سرازیر کردن سیل افترا و دروغ و تهمت علیه حزب ما، برای لجن مال کردن آن، برای ایجاد یک سد غیرقابل عبور میان حزب ما و توده های مردم و ساختن چنان چهره کاذبی از ما که نتوانیم به سوی توده های زحمتکش برویم. دیگری در جهت سیاسی از طریق فشارها و ایجاد محدودیت ها، از اخراج از کار گرفته تا بازداشت و شکنجه و محکومیت و حبس های طولانی و اعدام و کشتن در خیابان ها.

اگر تعداد کسانی را که در طول این چهل سال به دست دشمن فقط زخمی و مجروح شده اند، حساب کنیم، حتما رقم چشم گیری خواهد شد. یا تعداد زندانیان ما - کافی است بگوییم که ما در دوران بلافاصله پس از ۲۸ مرداد بیش از ۴۵۰۰ زندانی حزبی داشته ایم. در جنبش آذربایجان و کردستان بیش از ۲۰ هزار کشته و علاوه بر آن ده ها هزار زندانی و آواراجتماعی وجود داشت که صدها و هزارها تن از آن ها دیگر هیچ گاه به موطن اصلی بازنگشتند. از مبارزان قدیمی ما کمتر کسی را می توانید پیدا کنید که سری به زندان ها و تبعیدگاه های خارک و غیره نزده و از اختناق سیاسی صدمه ندیده باشد.

اگر تعداد روزنامه ها و مجلاتی را که دشمنان انقلاب ایران با هدف اصلی سم پاشی و افترا و تهمت به حزب ما منتشر می کردند، حساب کنیم، شاید به بیش از ۹۵ درصد کل نشریات چهل سال اخیر جامعه ما برسد.

سومین شیوه ای که امپریالیسم و ارتجاع علیه ما به کار می بردند ایجاد جریان های دروغین انقلابی، ملی نما، چپ نما و مذهبی نما و غیره بود. نمونه هایی از آن ها عبارت بودند از: تروتسکیست های یوسف افتخاری که از همان آغاز پیدایش حزب ما به فعالیت ضد انقلابی علیه آن پرداختند و دیری نگذشت که عمال شرکت نفت از کار درآمدند، یا به اصطلاح، کمونیست هایی از نوع خلیل ملکی که سرانجام چهره خود را به عنوان وابستگان به امپریالیسم انگلیس نشان دادند، یا ملی نماهایی مثل بقایی و مکی و غیره که عاقبت سر از سفارت آمریکا درآوردند یا مذهبی نماهایی از قماش شمس قنات آبادی و دیگران که به نام مذهب علیه ما مبارزه می کردند و بعد به عنوان جاسوسان

دربار افشا شدند .

شگرد دیگر امپریالیسم در مبارزه علیه ما ایجاد و تقویت جریانات افراطی راست و چپ بود . البته به این نکته باید توجه داشت که در جریانات افراطی راست و چپ ، افراد دارای گرایش‌های صادقانه هم می‌توانند وجود داشته باشند . مثلاً ما در برخی گرایش‌های "چپ" مربوط به دهه سال اخیر ، گرایش‌های صادقانه‌ای سراغ داشتیم که از همان آغاز تشخیص دادیم گمراه شده‌اند . یکی از شگردهای امپریالیسم تقویت همین گرایش‌های نادرست است ، چون می‌داند که این‌ها در عین داشتن صداقت ، در راه زیان‌بخشی گام گذاشته‌اند که اگر در آن پیش بروند به جای رسیدن به هدف‌هایی که برای خود معین کرده‌اند ، مسلماً به انقلاب زیان می‌زنند .

ما الان ده سال است که با این گروه‌های چپ دارای تمایلات افراطی که عناصر صادقی را به دنبال خود دارند ، به علت عدم رشد کافی و برخورد‌های غیرواقعی بینانه به جریان‌های اجتماعی در مبارزه هستیم و کوشیده‌ایم و می‌کوشیم تا روش آن‌ها را تصحیح کنیم و این کار را هم چنان ادامه خواهیم داد . در رهنمود معروف برژینسکی به ونس که از طرف کارتر فرستاده شده بود ، اگر خاطرتان باشد ، یکی از نکات عمده این بود که باید با تمام گروه‌های دارای هدف‌های انقلابی افراطی ، رابطه برقرار کرد و در تقویت مبارزه آن‌ها علیه رژیم اسلامی به رهبری امام خمینی کوشید .

پنجمین شیوه‌ای که دشمنان ما در سابق به کار می‌بردند و امروز هم به کار می‌برند ، بهره‌گیری از وازدگان ، مرتدان ، فاسدشدگان و عناصری است که در جریان مبارزه پس از برخورد با اولین دشواری‌ها ضعف از خود نشان می‌دهند و برای پوشاندن ضعفشان حاضر می‌شوند به خدمت ارتجاع درآیند . استفاده از این عناصر یکی از شگردهایی است که امپریالیسم علیه ما به کار برده و ما را به مبارزه علیه آن‌ها واداشته است . ولی امروز ما می‌توانیم بگوییم که در این مبارزه موفقیت‌های بزرگ داشته‌ایم . جالب بود اگر پژوهندگان ما آماری از عناصر و گروه‌های ضدتوده‌ای که تاکنون پدید آمده و چند صباحی علیه حزب توده ایران عوعو کرده‌اند ، تهیه می‌کردند تا همه می‌دیدند که این عناصر چگونه با رسوایی راه زباله‌دان تاریخ در پیش گرفته‌اند و کاروان توده‌ای ما از کنار آن‌ها گذشته و راه خود را با عزم راسخ ادامه می‌دهد . این‌ها و هم‌پالکی‌هایشان در داخل و خارج کشور کوهی از کاغذ علیه حزب ما چرکین کرده و صدها و هزارها مقاله و جزوه و کتاب علیه ما نوشته‌اند که امروز کمتر کسی اثری از آثار آن‌ها سراغ دارد ، و حال آن‌که رزمندگان انقلابی ، نشریات حزب ما ، روزنامه‌ها و مجلات آن ، تالیفات و تحلیل‌های حزب ما را در سراسر دوران سیاه رژیم سرنگون شده استبداد ، با فداکاری و ایثار ، چون مردمک چشم حفظ کرده و امروز این‌ها را با افتخار تمام به نسل جوان انقلابی تحویل داده‌اند .

تعداد آن عناصر و گروه‌ها به ده‌ها و صدها می‌رسد ، ولی امروز حتی

نام آن‌ها را کمتر کسی به یاد دارد.

در همین چند سال اخیر نیز گروه‌های زیادی به نام "کمونیست" و "حزبی" و غیره علیه حزب ما به سم‌پاشی و لجن‌پراکنی پرداختند، ولی پس از زمان اندکی که علت وجودیشان از بین رفت، فقط یک چیز برجای ماند و آن جنبش توده‌ای ما بود که با گام‌های استوار به راه خود ادامه می‌دهد. خلاصه بد نبود اگر تاریخ‌نویسان ما از این عناصر و نیز از "شخصیت‌ها" بی‌بی که در این دوران با نام‌های خیلی گنده به میدان مبارزه علیه حزب توده ایران آمدند و الان نام هم‌شان به‌ننگین‌ترین شکل در زباله‌دان تاریخ ثبت است، برای آگاهی جوانان ما، تهیه می‌کردند.

در میان آن‌ها ما کسانی چون سیدضیاءالدین طباطبایی، ساعد، صدرالاشرف، حکیمی، جمال امامی، هژیر، رزم‌آراء، قوام و در راس همه آن‌ها خود آریا مهر معدوم و خاندان عریض و طویلش را می‌بینیم، مجله‌هایی مثل تهران‌مصور، امیدایران، فردوسی، روزنامه‌هایی مانند ایران، ستاره، فرمان، اطلاعات و کیهان دوران طاغوت، آیندگان و غیره را می‌بینیم. برای همه این‌ها مسئله اساسی عبارت بود از مبارزه علیه حزب توده ایران، خط اصلی و سمت‌گیری اساسی عبارت بود از مبارزه علیه حزب توده ایران، همه این‌ها رفتند به آشغال‌دانی. ولی جنبش توده‌ای ما با همان متانت و باتحمل تمام دشواری‌ها به راه خود ادامه می‌دهد و ادامه خواهد داد.

در این چهل سال چقدر از این تفاله‌های امپریالیسم آمریکا و انگلیس به میدان آمدند، هارت و هورتنی به راه انداختند، عوعو کردند و به حزب توده ایران لجن‌پراکنی کردند؟ همین دوران اخیر را در نظر بگیریم. آمریکازده‌هایی از جنبه ملی، مثل بختیار، قاسمی، سنجابی، افرادی مثل یزدی، مثل قطب‌زاده، جاسوسانی مثل امیرانتظام، بنی‌صدر، هرکدام این‌ها آمدند و چند صباحی جنجال اجتماعی راه‌انداختند، ولی از همه این‌ها امروز در جنبش انقلابی با ننگ و نفرت نام می‌برند.

یا ببینید در این بیست سال اخیر جریان امپریالیست زده ما غوثیستی در کشور ما چه شلتاقتی راه انداخت و چه جنجالی به پا کرد. آن‌ها طی زمان کوتاهی توأگستند نسلی از جوانان ما را مسموم کنند، ولی امروز ما غوثیسم در قاموس جامعه انقلابی ما به فحش تبدیل شده، همان‌طور که لیبرال به فحش تبدیل شده است. در تمام این دوران، ما در مسیر تحول تاریخ قرار داشتیم و در این جهت به حرکت ادامه دادیم. پس از تمام فراز و نشیب‌هایی که گذرانده و درد و رنج‌هایی که کشیده‌ایم، امروز هم به عنوان یک عامل سیاسی مثبت در جامعه ایران هستیم و امروز هم گروه‌های وابسته به امپریالیسم و نیز بخش ناآگاهی که هنوز دشمن و دوست را از هم تمیز نداده است، کینه شدیدی نسبت به ما از خود نشان می‌دهند. این کین تیزی‌ها ممکن است باز هم برای ما دشواری‌هایی بیش از آن چه که امروز هست و به اندازه کافی هم هست، به وجود بیاورد، ولی آن چه که ما با قاطعیت می‌توانیم بگوییم این است که جنبش

تودهای ما، جنبش کارگری توده‌ای ما، جنبش متکی به طبقه کارگر، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران، از بین نخواهد رفت! آئینده هر قدر هم برای ما دشوار، راه ما هر قدر هم خاراگین، تلفات هر قدر سنگین، فداکاری‌ها و از خودگذشتگی‌ها هر قدر جانگاہ باشد، یک چیز مسلم است: حزب طبقه کارگر از بین نخواهد رفت! این حقیقت بی چون و چرا را تاریخ برکسانی که کمر به نابودی حزب توده ایران بسته‌اند ثابت خواهد کرد.

در مورد گروه‌های چپ‌رو ما یک نمونه بسیار عالی و آموزنده داریم و آن این‌که فعالیت حزب ما توانست تأثیری عظیم در این گروه‌ها بگذارد و بخش مهمی از نیروهای صادق این گروه‌ها راز راه نادرستی که در پیش گرفته بودند، باز دارد و به راه درست انقلابی سوق دهد. و ما این را یکی از موفقیت‌های بزرگ تاریخ خود می‌دانیم. ما با یک برخورد علمی و واقع‌بینانه به روند تکامل اجتماعی از اوایل سال‌های پنجاه به این نتیجه رسیدیم که دوران "ثبات" رژیم تبهکار آریامه‌ری، رژیم وابسته به امپریالیسم دارد به سر می‌رسد و دوران طوفان‌های اجتماعی آغاز می‌شود. برپایه همین ارزیابی هم ما در همان سال‌های اول دهه پنجاه برنامه کار خود را برای استقبال از این طوفان‌های اجتماعی تنظیم کردیم. ما دیدیم و شاید زودتر از سایر نیروهای اجتماعی دیدیم که تراکم بی سابقه غارتگری و تبهکاری‌های امپریالیسم آمریکا، اروپای غربی و ژاپن به دست‌پاری خاندان پهلوی و طبقات حاکمه غارتگر کلان سرمایه‌دار و بزرگ‌مالک و عناصر پلید و کثیفی چون ساواکی‌ها و غیره، مردم را به عصیان نزدیک می‌کند. با تشدید روزافزون تضادهای اجتماعی، با تسلط همه‌جانبه امپریالیسم بر کلیه شئون حیات کشور، با تراکم ثروت‌های سرسام‌آور در دست گروهی کوچک و در کنار این ثروت‌های عظیم که از درآمد نفت و محصول کار زحمتکشان ایران به دست می‌آمد، فقر و فاقه موحش و تصورناپذیر اکثریت مطلق مردم، با استبداد و درنده‌خویی بی سابقه رژیم و جنایات هولناکش، آن رژیم دیگر نمی‌توانست دوران زیادی دوام یابد. ماهمان زمان دورنمای یک انفجار عظیم ضد امپریالیستی، ضد استبدادی، ضد سلطنتی و مردمی را در افق می‌دیدیم و به همین دلیل با بهره‌گیری از بینش انقلابی خود و از تجارب گران‌بهای جنبش انقلابی هفتادساله میهن و جنبش انقلابی سایر کشورها راه خود را مشخص کردیم و هنگام تدوین برنامه جدید حزب توده ایران یگانه‌راه برون‌رفت از بحران روزافزون را برانداختن رژیم منحوس سلطنتی، پایان بخشیدن به استبداد آریامه‌ری و به تسلط استعماری امپریالیسم و ایجاد جامعه نوین برخوردار از استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی تشخیص دادیم، و فعالیت خود را برپایه مبارزه برای رسیدن به همین هدف‌ها استوار کردیم. مایگانه‌راه رسیدن به این اهداف را به درستی ایجاد جبهه متحدی از همه مبارزان راستین ضد امپریالیستی، آزادی‌خواه، استقلال‌طلب و میهن‌دوست کشور تشخیص دادیم. ما این راه را به رغم همه دشواری‌هایی که نه تنها از سوی دشمن یعنی مرتجعین و ضدانقلاب، بلکه از

سوی گروه‌هایی از دوستان انقلاب و حتی ناپی‌گیری‌هایی در درون حزب خودمان، نیز با آن روبرو بودیم، با قاطعیت دنبال کردیم.

پیروزی تاریخی انقلاب ایران که در آن همه شیفتگان راه استقلال و آزادی و علاوه بر آن‌ها گروه‌هایی از رفیقان نیمه‌راه هم شرکت داشتند، پیروزی جنبشی که امام خمینی در مقام رهبری آن با درایت و بی‌گیری و قاطعیت خود، نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای در آن ایفا کرد، درستی نتیجه‌گیری‌ها و پیش‌بینی‌هایی را که حزب ما از اوایل سال‌های پنجاه در برابر افکار عمومی مبارزان راه آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی مطرح کرده بود، کاملاً به ثبوت رساند. از انتشار برنامه‌های که حزب ما پیش از انقلاب تدوین کرده بود، امروز نزدیک به هشت سال می‌گذرد و با وجود این ما در این برنامه حتی یک نکته هم نمی‌توانیم پیدا کنیم که زندگی درستی بی‌چون و چرای آن‌ها را تایید نکرده باشد. مبارزه حزب ما در این دو سال و نیم پس از انقلاب نیز نشان داد که راهی که ما برگزیدیم و عنصر اساسی آن پشتیبانی بی‌گیر از موضع‌های ضدامپریالیستی، ضداستبدادی و مردمی خط امام خمینی و ایجاد شرایط لازم برای همکاری با مبارزان مسلمان راستین در عرصه مبارزات، کاملاً درست انتخاب شده و نتایج بسیار مثبت به بار آورده است. پلنوم هفدهم حزب ما این راه پیموده را جمع‌بندی کرد و راه آینده را که باز هم بر همان پایه‌هایی استوار است که طی چهل سال گذشته فعالیت حزب ما بر آن استوار بوده است، مشخص کرد.

به این ترتیب حزب ما که طی چند روز آینده وارد چهل و یکمین سال زندگی خود می‌شود، از لحاظ بسیاری از آماج‌ها، از لحاظ چگونگی گزینش شیوه‌های مبارزه، از لحاظ نیروهایی که برای این مبارزه به عنوان متحد و دوست خود تشخیص می‌دهد و از لحاظ چگونگی برخورد به دشمنان انقلاب ایران، در همان مواضع اصولی پیشین قرار دارد. یعنی این مواضع از لحاظ محتوی تغییر اساسی پیدا نکرده است و همین امر بی‌گیری و ادامه‌کاری جنبش توده‌ای ما را نشان می‌دهد برای این که منافع حیاتی و خواست‌های اساسی طبقه کارگر و دیگر رده‌های زحمتکش از آن زمان تاکنون در ماهیت خود تغییر اساسی نکرده است. طی این مدت ما به برخی از هدف‌هایی که برای مبارزه تعیین کرده بودیم، رسیده‌ایم و مقداری از آن‌ها هنوز باقی مانده است که باید به آن برسیم. برای رسیدن به همه آماج‌های واقعی انقلاب ضدامپریالیستی ضداستبدادی و مردمی ما هنوز راه دشواری در پیش است. باید گفت که صرف نظر از تفاوت‌های دیگر، میان چهل سال پیش و امروز ما یک تفاوت مشخص هم وجود دارد. چهل سال پیش که توده‌ای‌ها پا در این میدان مبارزه گذاشتند، گروه کوچک انگشت‌شماری بیش نبودند که یکه و تنها در برابر کوهی از دشواری‌ها قرار داشتند. نیروهایی که بالقوه می‌بایست از توده‌ای‌ها حمایت کنند، به آن‌ها سنگ می‌انداختند، ولی امروز علاوه بر توده‌ای‌ها، میلیون‌ها مبارز بی‌گیر و آشتی‌ناپذیر از مسلمانان پیرو خط امام گرفته تا پیروان سوسیالیسم

علمی در سنگرهای مبارزه علیه تسلط امپریالیسم و غارتگران خودی جا گرفته‌اند. شعارهای مردمی و ضد امپریالیستی، شعار محدود کردن سرمایه - داری، شعار پایان بخشیدن به آثار شوم فئودالیسم و بزرگ مالکی - به شعار میلیون‌ها رزمنده انقلابی ایران تبدیل شده است و ما خوشبختیم که الان در چنین شرایطی مبارزه می‌کنیم و من خیال می‌کنم که مبارزان جوان ما باید خیلی خوشحال باشند که در چنین دوران حساسی از تاریخ میهنشان زندگی و مبارزه می‌کنند. راه این مبارزه اگر هم هنوز از سنگلاخ‌ها بگذرد، هم اکنون مراحل بزرگی را طی کرده و مسلماً پیروزی‌های بزرگ‌تری را در پیش رو دارد. امروز همه نیروهای انقلابی صرف نظر از گرایش‌هایی که دارند امپریالیسم و ارتجاع جهانی به سرکردگی آمریکا را دشمن شماره یک انقلاب، دشمن آشتی‌ناپذیر استقلال و آزادی ما، دشمن هرگونه دگرگونی اجتماعی در کشور ما می‌دانند. این نیروها خوب می‌دانند که امپریالیسم و صهیونیسم وجبهه متحد ضد انقلاب از هیچ جنایتی برای درهم شکستن انقلاب ایران روی گردان نیستند و انقلاب ایران یک نبرد طولانی با آن‌ها در پیش دارد. به نظر ما در سایه این واقعیات و شناخت این عمده‌ترین مسائل مربوط به سرنوشت انقلاب ایران، دیگر پذیرفتنی نیست که نیروهایی مسائل فرعی مورد اختلاف نظر خود را سدره اتحاد همه نیروهای راستین و فادار به انقلاب قرار دهند و بدین طریق از تحقق این اتحاد که بزرگ‌ترین وثیقه برای درهم شکستن هر چه سریع‌تر توطئه‌های امپریالیسم است، جلوگیری کنند. ما امیدواریم که نیروهای وارد در جبهه بزرگ مسلمانان مبارز به لزوم اتحاد هرچه بیشتر همه نیروهای راستین هوادار انقلاب معتقد شوند.

درباره آینده انقلاب، نگرانی‌ها و امیدها

س: در مورد آینده انقلاب از یک سو نگرانی و از سوی دیگر امید ابراز می‌شود. در این زمینه چه پیش‌بینی‌هایی می‌توان کرد؟

ج: در این جا باید به‌طور صریح بگوییم که پیش‌بینی چنین امری به این آسانی ممکن نیست. در جریان انقلاب ما در لحظه کنونی عوامل و عناصر متنوعی شرکت دارند و عمل می‌کنند. این که امپریالیسم آمریکا با تمام قوا توطئه هشتم را تدارک می‌بیند و همه عوامل نظامی، اقتصادی، تخریبی و تروریستی را در این توطئه متمرکز کرده، مطلبی است مسلم. و از طرف دیگر این را هم می‌بینیم که نیروهای انقلابی ما این توطئه را هر روز بیشتر احساس می‌کنند و آماده هستند آن را درهم شکنند و ضمناً لزوم اتحاد نیروها علیه این توطئه نیز احساس می‌شود. ولی در عین حال نیروهای ناسالم و

ناآگاه دیگری هستند که در جهت تضعیف جبههء مقاومت علیه امپریالیسم عمل می کنند و در نتیجه ناآگاهانه (در مورد افراد ساده و وارد در این جریان) یا آگاهانه و خیانت آمیز (در مورد کسانی که این جریان را اداره می کنند) ، آب به آسیاب امپریالیسم می ریزند .

و اما در این مبارزه تمام تلاش ما توده ای ها و آن ها که با ما همراه هستند این است که جبههء مقاومت را تقویت بکنیم ، علیه عملکرد تضعیف کنندهء منحرفین و گمراهان مبارزهء حدی انجام دهیم و برای عقیم گذاشتن همهء تلاش های امپریالیسم بکوشیم . در همهء کشورهای جهان و حتی در دژ امپریالیسم جهانی یعنی آمریکا نیروهای بزرگی هستند که به انقلاب ایران علاقمندند و با تمام قوا از آن پشتیبانی می کنند . اگر نیروهای حاکمیت ایران بتوانند از عوامل مساعد داخلی و جهانی برای مبارزه علیه توطئهء امپریالیسم و برای سرکوب ضدانقلاب در ایران به درستی بهره گیری کنند ، به نظر ما پیروزی انقلاب ایران در شرایط جهانی کنونی در منطقهء بسیار حساس ما مسلماتضمین شده است .

البته خطراتی هم برای این پیروزی وجود دارد ، ولی رفع همه این خطرات به این مربوط خواهد شد که آیا نیروهای انقلابی از همه امکانات عظیمی که در اختیار دارند ، چنان که باید و شاید در نبرد علیه دشمن بهره گیری خواهند کرد یا نه . اگر نتوانند بهره گیری بکنند آن وقت اگر خطر برای مجموع جمهوری اسلامی ایران پدید نیاید ، دست کم دشواری های خیلی جدی تر از آن چه که امروز هست ، برای این انقلاب ما به وجود خواهد آمد . امیدواریم تلاش ما برای روشن کردن سایر نیروهای انقلابی در این زمینه موثر و مفید واقع شود .

در پایان می خواهم این چهارمین سال تاسیس حزب را به شما مبارزان توده ای که ضامن بیشترتان از جوان های نسل نوین انقلابی ایران هستند ، به شما و به همه هواداران حزب از سوی کمیتهء مرکزی حزب تودهء ایران صمیمانه تبریک بگویم و امیدوار باشم که پرچمی را که نسل های قبل از شما در این دوزان طوفانی چهل ساله افراشته نگه داشتند ، هم چنان افراشته نگاه دارید .

